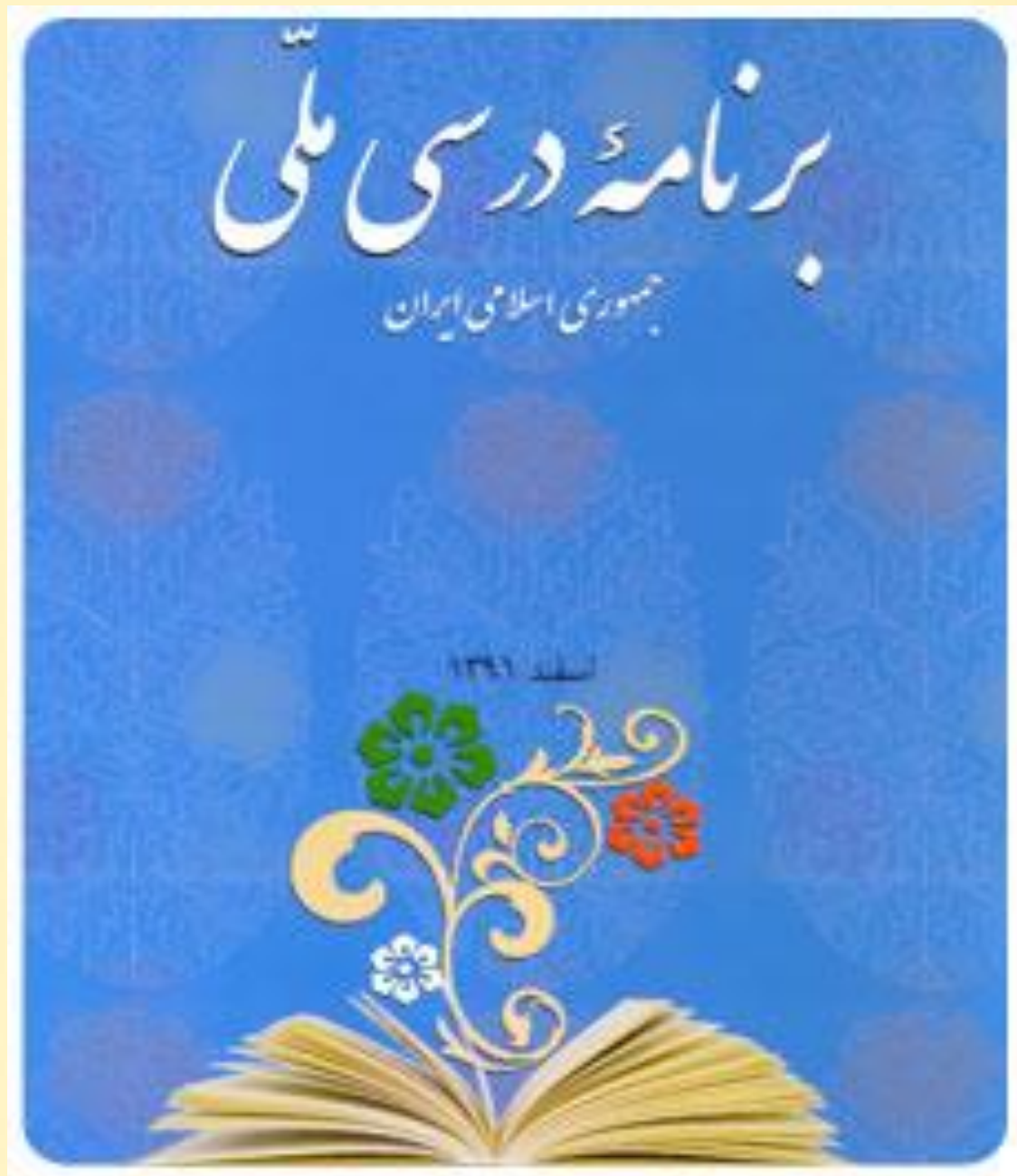



سورة التوحيد من القرآن الكريم







مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً
وَلَنُجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل ۹۷)

هر کس، مرد یا زن، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً به
«حیات طیبه» زنده اش می داریم و همانا آن ها را، در برابر
بهترین اعمالی که انجام داده اند، پاداش خواهیم داد.

پیشگفتار

تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تحولی عمیق و ریشه ای است که به تحول در مفاهیم نظری، روندها و فرایندها، نقش ها و کارکردها و رویکردها منجر خواهد شد. در تحول بنیادین نوع نگاه به معلم، کتاب، مدرسه، کلاس درس و به ویژه دانش آموز دگرگون خواهد شد. این نگاه، معلم را در قله می بیند و همه شرایط و امکانات را برای الگو پذیری و تأسی دانش آموز به معلم جهت دستیابی به قله های انسانیت، علم و ادب و اخلاق فراهم می آورد. تفکر و تعقل، خلاقیت و نوآوری، بهره مندی از روش های نوین و فناوری های جدید، ایجاد محیطی با نشاط و شاداب، برپایی مدرسه دوست داشتنی، همه و همه در خدمت تربیت دانش آموزان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی می باشند. تحقق این مهم نیازمند باز مهندسی نیروی انسانی با محوریت استقرار نظام رتبه بندی و نظام جذب و نگهداشت معلمان می باشد که به لطف الهی در دستور کار قرار دارد. اینک که «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به مثابه قانون اساسی برای تحولات همه جانبه و دراز مدت به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است، باید تمام زیر نظام ها و مؤلفه های خرد و کلان نظام تعلیم و تربیت مورد بازخوانی و بازتولید قرار گیرد.

پیشگفتار

«**برنامه درسی ملی**» به عنوان یکی از زیر نظام های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله

نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی

را فراهم می آورد. این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش آموزان را میسر سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه های درسی در سطوح ملی تا محلی می باشد تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام مند و ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی با نشاط و مدرسه دوست داشتنی را به تصویر بکشاند.

پیشگفتار

از آنجا که موضوع برنامه ریزی درسی، یک رشته نوپا در کشور می باشد، لذا تدوین برنامه های آموزشی، تألیف کتاب های درسی، تعیین زمان و ساعات آموزش، روش های تدریس، بهره گیری از روش های متنوع یادگیری و تکنولوژی آموزشی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از یک برنامه

جامع و همه جانبه نگر مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی تبعیت نمی کرده است که این امر آسیب ها و کاستی های فراوانی را به همراه داشته است. با گذشت زمان و افزایش دانش فنی در زمینه طراحی و تولید برنامه های درسی و انباشت تجربیات مفید و مغتنم و انجام پژوهش ها و مطالعات داخلی و تطبیقی، ضرورت تدوین یک برنامه راهبردی و جامع برای ساماندهی بهینه برنامه درسی و تولید محتواهای آموزشی در دوره ها و سطوح مختلف یادگیری بیش از پیش احساس می شد. در پاسخ به این نیاز آموزشی و تربیتی، نظام تعلیم و تربیت، کارگروهی از خبرگان و کارشناسان ارشد آموزش و پرورش را با همکاری صاحب نظران و استادان حوزه های علمیه و دانشگاه ها مأمور تدوین برنامه درسی ملی نمود. کار تحقیق و پژوهش و تدوین این سند از اسفند ماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی آغاز شد و پس از انجام مطالعات اولیه و ابلاغ مصوبه هفتصد و چهل و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در اردیبهشت ماه ۸۶، با پشتوانه نیرومند حقوقی ادامه یافت. با توجه به تعیین اهداف، تعریف و حدود طرح و خروجی مورد انتظار، کمیته های هفت گانه تخصصی به شرح ذیل تشکیل شد:

پیشگفتار

۱- کمیته کلیات، اصول و مبانی ۲- کمیته محتوای آموزشی، پرورشی و حوزه های یادگیری ۳- کمیته ساختار، مقاطع، رشته ها و زمان ۴- کمیته میزان اختیارات و کاهش تمرکز ۵- کمیته ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یاددهی یادگیری ۶- کمیته مواد، رسانه ها و محیط های یادگیری ۷- کمیته ارزشیابی از برنامه درسی ملی و اقتضائات اجرایی . همچنین برای جلب مشارکت فعال حوزه های صف و ستاد، کمیته های استانی و کمیته های ستادی طرح، آغاز به کار کردند.

خوشبختانه با تلاش خستگی ناپذیر دست اندرکاران، اولین نگاشت این برنامه سرنوشت ساز و تحول آفرین، در بهمن ماه ۱۳۸۷ آماده شد .هم زمان با بررسی و تصویب سند تحول بنیادین در شورای عالی آموزش و پرورش (آذرماه ۱۳۸۸) و با عنایت به راهکار ۱-۱ سند مذکور، کار بررسی و اصلاح برنامه درسی ملی نیز سرعت یافت و تا سال ۱۳۹۰ بارها در معرض نقد و بررسی صاحب نظران، مدیران و معلمان قرار گرفت و سیر تکاملی خود را سپری کرد تا به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه شد . در دبیرخانه شورای عالی با تشکیل کار گروهی مرکب از کارشناسان شورا و جمعی از دست اندرکاران تدوین و صاحب نظران سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ضمن وفاداری به بنیان های اصلی برنامه از جمله الگوی هدف گذاری و عناصر و عرصه های چهارگانه ارتباطی و با تکیه بر مبانی و دلالت های مفاهیم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، متن جدید بازنگری، اصلاح و آماده شد . جلسات هماهنگی برای تفاهم و اجماع بر اصول و مبانی سند را که اینجانب نیز بر آن تأکید داشتم برگزار و طرح را نهایی نمودیم . بالاخره پس از ۱۱ جلسه، به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و برگ زرینی به تاریخ آموزش و پرورش کشور افزوده شد.

اینک یادآوری چند نکته را ضروری می داند:

1. تدوین و تصویب برنامه درسی ملی به عنوان نقشه جامع یادگیری برای اولین بار در تاریخ آموزش و پرورش افتخار بزرگی است که خداوند نصیب فرمود؛ بر این موهبت بزرگ الهی سر تعظیم فرود آورده و شکرگزاری می کنیم.
2. این برنامه باید نقشه راه کلیه سیاست گذاری ها و تولید محتوای آموزشی و تربیتی از جمله تولید راهنمای برنامه های درسی دوره ها و پایه های تحصیلی، تعیین زمان و ساعات آموزشی تدوین و تألیف کتاب های درسی و کمک آموزشی، تولید بسته های آموزشی، رسانه های دیداری و شنیداری و الکترونیکی و... قرار گیرد.
3. اجرای مطلوب این برنامه، نیازمند مساعدت و توجه ویژه معلمان عزیز و بهره مندی از صلاحیت ها و شایستگی های حرفه ای و تخصصی مناسب آنان می باشد، لذا مفاد آن باید در مهندسی نیروی انسانی و در برنامه های آموزشی، جذب و توانمندسازی و بازآموزی معلمان در سطوح مختلف توسط دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و مراکز آموزشی های ضمن خدمت مورد توجه جدی قرار گیرد.

4. تدوین برنامه راهبردی و جامع یادگیری مبتنی بر آموزه های اسلامی و معارف وحیانی، متناسب با

نیازهای حال و آینده جامعه در دنیای متحول کنونی، منطبق با ویژگی ها و نیازهای دانش آموزان و بهره مند از آخرین یافته های علمی و پژوهشی، کار سترگ و بلندی است که با عنایات الهی و تلاش دست اندرکاران، گام نخست آن برداشته شد و تکمیل و تکامل آن نیازمند همراهی و مساعدت صاحب نظران و کارشناسان مجرب است که همگان را به یاری می طلبیم.

5. در پایان لازم می دانم از تلاش ها و زحمات کلیه کارشناسان، محققان و پژوهشگران، دست اندرکاران، مسئولان کمیته ها و مجریان و مشاوران این طرح ملی در ستاد، استان ها، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دبیرخانه و اعضای شورای عالی آموزش و پرورش، شورای معاونان وزارت آموزش و پرورش و به ویژه حجت الاسلام علی ذوعلم مدیر طرح، حجت الاسلام محمدیان رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، مهندس مهدی نوید ادهم دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش و وزرای آموزش و پرورش تشکر نمایم و از خداوند متعال مسألت دارم این کار مهم و تأثیر گذار را که در طول ۴۰ ماه گذشته مسئولیتم دغدغه اساسی اینجانب و همکاران عزیزم بوده است توشه آخرت قرار دهد.

برنامه ملی درسی جمهوری اسلامی ایران

در حاشیه یادمان به یادمان



برنامه ملی درسی جمهوری اسلامی ایران (۱)

1. مبانی فلسفی و علمی برنامه درسی ملی

مبانی فلسفی و علمی این برنامه همانند سایر اسناد هم‌مطراز خود مبتنی بر مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) می‌باشد و از این مجموعه، آن بخش از مبانی که مستقیماً به حوزه‌ی برنامه درسی دلالت دارد و به عنوان مبانی خاص برنامه درسی تلقی می‌شود، در پیوست آمده است.

۱- برنامه درسی ملی سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید.

۲. چشم انداز

برنامه های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی، با تکیه بر میراث گرانبها و ماندگار رسول الله (ص) قرآن کریم و عترت (ع) تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و چشم انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ (۱) با بهره گیری از الگویی پیشرفته و بومی زمینه تربیت نسلی (۲) موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و خردمند، دانش پژوه و علاقمند به علم و آگاهی، عدالت خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمع گرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خود باور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کار آفرین، مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون مدار و نظم پذیر، وفادار به ارزش های اسلام ی، ملی و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم می سازد.

۱- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ماه ۱۳۹۰

۲- برگرفته از هدف های کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ماه ۱۳۹۰

این برنامه ها دارای ویژگی های زیر است:

1. مبتنی بر مبانی و ارزشها و معارف اسلام ناب محمدی (ص)؛
2. برخوردار از یافته های معتبر علمی و پژوهشی با تأکید بر بومی سازی آنها؛
3. بهره مند از دستاوردها و یافته های علمی فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی؛
4. منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط آفرین، پویا، انعطاف پذیر و مشارکت پذیر در تولید و اجرا؛
5. ناظر به ویژگی ها، نیازها و فطرت الهی دانش آموزان و نیازهای اساسی جامعه؛
6. بهره مند از تجربه های موفق ملی و جهانی با استفاده از ابزارها و شیوه های علمی و اثربخش؛
7. برخوردار از رویکردی نوآورانه، آینده پژوهانه، واقع بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان؛
8. تأکید کننده بر نقش مدرسه به عنوان جلوه ای از تحقق مراتبی از حیات طیبه و زمینه ساز جامعه عدل مهدوی (عج)(ا)

۳- اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی

این اصول به صورت هماهنگ و درهم تنیده ناظر بر سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت برنامه های درسی و تربیتی از سطح ملی تا سطح مدرسه است :

۱-۳- دین محوری

تمامی اجزا و عناصر برنامه های درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش های اسلام ناب محمدی (ص) باشد. این اصل بر سایر اصول نیز حاکم می باشد.

۲-۳- تقویت هویت ملی

برنامه های درسی و تربیتی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزشهای انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد.

۳-۳- اعتبار نقش یادگیرنده

برنامه های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش آموز در فرآیند یاددهی یادگیری و تربیت پذیری توجه نماید و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

۴-۳- اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی) (۱)

برنامه های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت (۲) معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال سازی دانش آموزان در فرآیند یادگیری و تربیت پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید. همچنین زمینه ی ارتقاء صلاحیت های اعتقادی، اخلاقی، حرفه ای و تخصصی معلم را فراهم سازد.

۵-۳- اعتبار نقش پایه ای خانواده

برنامه های درسی و تربیتی باید ضمن تقویت بنیان خانواده و تحکیم مناسبات خانوادگی و صله رحم، زمینه کسب شایستگی ها و مهارت های لازم برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی دانش آموزان را فراهم آورد.

1. در این سند واژه های معلم و مربی مترادف هم به کار رفته است و به فردی اطلاق می شود که رسالت خطیر تربیت دانش آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

بر عهده دارد. (تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ماه ۱۳۹۰)

1. مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ماه ۱۳۹۰ ص ۲

۶-۳-جامعیت

برنامه های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت های تعلیم و تربیت (۳) تأکید کند.

۷-۳- توجه به تفاوت ها

برنامه های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی های مشترک، به تفاوت های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعدادها، توانایی ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

۸-۳- تعادل

برنامه های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره گیری از روشهای متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی از برنامه ها پایبند باشد.

1. ساحت ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ماه ۱۳۹۰)

۹-۳- یادگیری مادام العمر

برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای استمرار و معنا دار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش‌آموزان تأمین کند.

۱۰-۳- جلب مشارکت و تعامل

فرآیند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذینفع، ذیربط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها فراهم نماید.

۱۱-۳- یکپارچگی و فراگیری

برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان (دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و استعداد‌های درخشان) به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف‌پذیری، با نیازهای هر یک از گروه‌های دانش‌آموزان با نیازها و استعداد‌های خاص انطباق و سازگاری داده شود(۱).

1. تغییرات ناشی از این انطباق و سازگاری باید به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد.

۴- رویکرد و جهت گیری کلی

رویکرد برنامه های درسی و تربیتی « فطرت گرایی توحیدی » است . اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی (۱) دانش آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت (۲) آنان به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است.

1. فطرت سرشتی الهی در وجود آدمی است :یعنی آدمی نسبت به مبدأ عالم هستی معرفت و گرایشی اصیل (غیر اکتسابی) دارد . این فطرت می تواند فعلیت یافته، صیقل بخورد و توسعه پذیرد و می تواند به فراموشی سپرده شود . فطرت در جنبه معرفتی آن، معرفت حضوری انسان به خداست و در بعد گرایش، میل به پرستش، حقیقت جویی، فضیلت خواهی و زیبایی دوستی از اهم گرایش های فطری انسان است . مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران آذر ماه ۱۳۹۰ ص ۵۸ و ۵۹
2. منظور از موقعیت، وضعیت مشخص، پویا و قابل درک و تغییری است که حاصل تعامل پیوسته فرد به منزله ی عنصری آگاه، آزاد و فعال با خداوند و گستره ای از جهان هستی (خود، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال است (که حقیقتی برتر و خالق همه ی جهان و فراتر از همه موقعیت ها است). بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران - ص ۴۴۲

در این رویکرد:

۱-۴- دانش آموز:

1. امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است.
2. فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.
3. همواره در موقعیت است و می تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید.
4. توانایی انتخاب، تصمیم گیری و خویشن داری دارد و می تواند با محیط یادگیری، رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی چون و چرا و مقهور محیط نیست .
5. از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرآیند یاددهی یادگیری، نقش اساسی دارد.
6. در فرآیند یاددهی یادگیری و تربیت پذیری و توسعه شایستگی های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.
7. دارای قابلیت ها، تجربیات، ظرفی تها و توانایی های گوناگون است.

۲-۴- معلم (مربی):

- ۱- در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار(ع)، اسوه ای امین و بصیر برای دانش آموزان است.
- ۲- با شناخت و بسط ظرفیت های وجودی دانش آموزان و خلق فرصت های تربیتی و آموزشی زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می سازد.
- ۳- زمینه ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش آموزان است.
- ۴- راهنما و راهبر فرآیند یاددهی یادگیری است.
- ۵- برای خلق فرصت های تربیتی و آموزشی مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزش یابی برنامه های درسی و تربیتی در سطح کلاس را بر عهده دارد.
- ۶- یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است.

۳-۴- محتوا

1. مبتنی بر ارزش های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه های دینی و قرآنی، مجموعه ای منسجم و هماهنگ از فرصت ها و تجربیات یادگیری است که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه ها (۱) را به صورت پیوسته فراهم می آورد.
۲. دربرگیرنده مفاهیم و مهارت های اساسی و ایده های کلیدی مبتنی بر شایستگی های مورد انتظار از دانش آموزان است.
۳. برگرفته از یافته های علمی و معتبر بشری است.
۴. متناسب با نیاز های حال و آینده، علایق، ویژگی های روانشناختی دانش آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش است.

1. در هدف گذاری پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به

صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می شوند

۴-۴- یاد دهی یادگیری:

1. فرآیندی زمینه ساز برای ابراز گرایش های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است.
2. یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط های متنوع یادگیری است.
3. دیدگاه دانش آموزان را به طور معنادار نسبت به ارتباط با خود، خداوند، دیگران و مخلوقات، تحت تأثیر قرار دهد.

۵-۴- ارزشیابی:

1. به صورت مستمر تصویری روشن و همه جانبه از موقعیت کنونی دانش آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت ها و نیاز های وی ارائه می کند.
۲. زمینه انتخاب گری، خود مدیریتی و رشد مداوم دانش آموز را با تأکید بر خود ارزیابی فراهم می کند و بهره گیری از سایر روش ها را زمینه ساز تحقق آن می داند.
۳. ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش آموز می داند.
۴. کاستی های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می داند.

۶-۴- محیط یادگیری:

1. با بهره گیری از ظرفیت های نظام هستی، محیطی امن، منعطف، پویا، برانگیزاننده و غنی را برای پاسخگویی

به نیازها، علایق

و ویژگی های دانش آموزان تدارک می بیند .

2. مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است؛ اما یادگیری به آن محدود نمی شود و سایر محیط ها نظیر محیط های

اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد.

3. با بهره گیری از ظرفیت و قابلیت محیط های مجازی و رسانه ها، زمینه بهبود موقعیت دانش آموزان و ارتقای

کیفیت فرایند یاددهی یادگیری را فراهم می آورد.

4. خانواده از محیط های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری بشمار می آید که در تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه

می باشد.

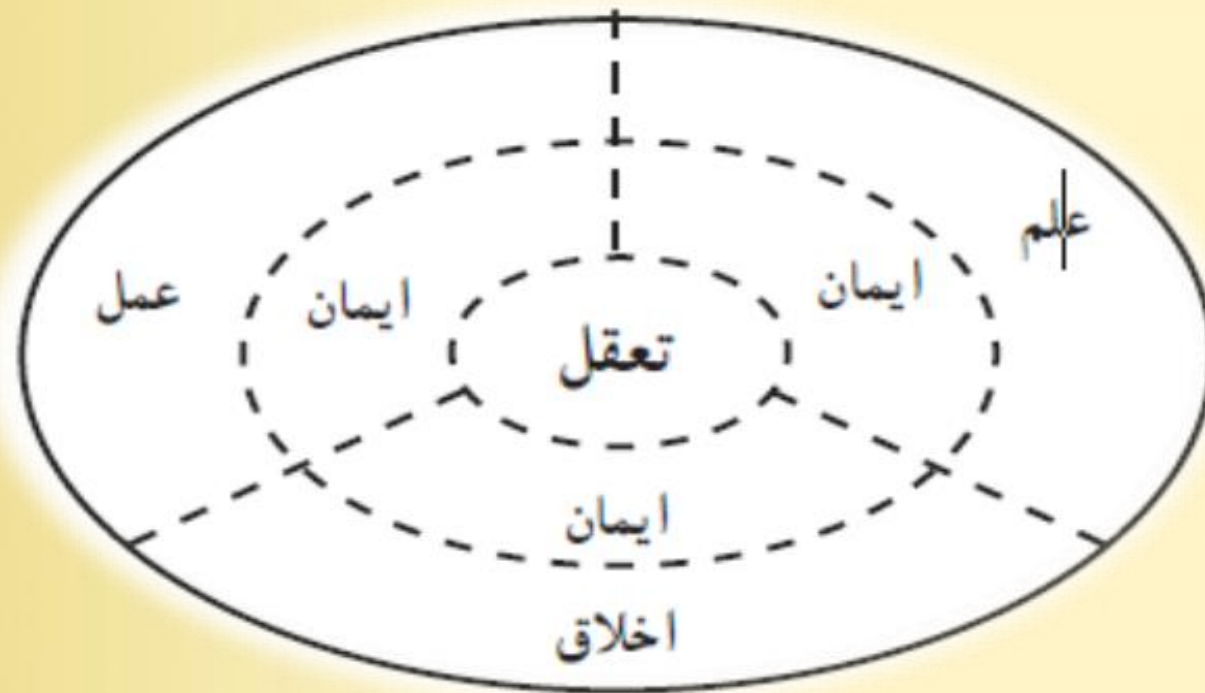
۷-۴- مدیر مدرسه:

1. معلمی مؤمن، خلاق، متعهد، منعطف، اهل فکر، آینده نگر، مشارکت پذیر، راهبر تربیتی، مدیر و مدبر و دارای سعه صدر و صلاحیت های حرفه ای است.
2. مسئولیت تأمین و توسعه محیط یادگیری را برای شکوفایی گرایش های فطری دانش آموزان بر عهده دارد.
3. مسئولیت خلق موقعیت های تربیتی و آموزشی، انطباق یا تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی و تربیتی را در سطح مدرسه بر عهده دارد.
4. با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل (کارکنان و خانواده ها) و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می سازد.
5. از اختیارات متناسب برای پاسخگویی و مسئولیت پذیری در کلیه امور مدرسه برخوردار است.

۵- الگوی هدف گذاری

در هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه ای در تدوین اهداف سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان خواهد بود.

ساحت های تربیت				
عرصه ها	رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان ها) (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خلقت (طبیعت و ...) (با محوریت رابطه با خدا)
عناصر				
تعقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				



در الگوی هدف گذاری پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می شوند. عناصر پنجگانه در شبکه ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می شوند و در فرآیند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط دانش آموز می توانند سرآغاز سیر تربیتی دانش آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. در میان عناصر پنجگانه، عنصر تعقل جنبه محوری دارد و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می شوند که هر کدام از آن ها نیز دارای مراتب معینی است.

۶- هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی

تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش آموزان به گونه ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند. انتظار می رود دانش آموزان طی دوره تحصیلات مدرسه های، در مجموعه عناصر پنجگانه ی الگوی هدف گذاری، به مرتبه ای از شایستگی های پایه دست یابند. این شایستگی ها بیان تفصیل یافته ای از هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی است.

۷- شایستگی های پایه

۱-۷ تعقل:

1. درک وجود خود، نیازها، توانمندی ها، ظرفیت ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛
2. بصیر نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛
3. تدبر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به عنوان خالق هستی؛
4. تدبر در نظام خلقت و شگفتی های آن.

۲-۷ ایمان:

1. ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛
2. باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛
3. ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین علیهم السلام(ا) و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی بدیل آنها در هدایت و رستگاری بشر؛
4. باور به نقش دین مبین اسلام(۲) و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛
5. ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون مندی خلقت و باور به زیبایی های جهان آفرینش به عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛
6. ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی های جمعی و فردی انسان.

-
1. بر طبق اصول دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، پیروان ادیان و مذاهب رسمی، اجازه آموزش ویژه مذهبی را دارند، اما این آموزش ها باید تحت نظارت دولت باشد تا با مقتضیات زندگی مسالمت آمیز و توأم با تفاهم بین پیروان ادیان و مذاهب، منافاتی نداشته باشد. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران آذر ماه ۱۳۹۰ ص ۲۴۳
 2. با توجه به اهمیت مسئله اقلیت ها و قومیت ها در اتحاد و انسجام ملی و اسلامی، رعایت حقوق اقلیت ها اشاره شده در قانون اساسی (اصل دوازدهم، اصل چهاردهم، اصل نهم و اصل دوم بند ششم) آموزش وجوه مشترک ادیان و مذاهب، سیاست مناسبی است. همان منبع

۳-۷- علم:

1. شناخت خود، ظرفیت ها و هویت خویش؛
2. شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛
3. علم نسبت به پدید هها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آنها و بهره برداری بهینه از آنان؛
4. علم نسبت به روابط، نقشها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آنها در زندگی اجتماعی؛
5. علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛
6. آشنایی با ویژگی های نظام مردم سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛
7. آشنایی با روش های رمزگشایی پدیده ها و رمز گردانی آنها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و هنر.



۴-۷- عمل:

1. عمل به آموزه های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛
2. به کارگیری ظرفیت های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛
3. بکارگیری آداب و مهارت ها و سبک زندگی اسلامی ایرانی؛
4. به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی؛
5. بهره گیری از مهارت های پایه برای شکل دهی هویت حرفه ای آینده خود به صورت مولد و کار آفرین؛
6. بهره گیری آگاهانه از یافته های علمی، هنری، فنی، حرفه ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آنها؛
7. حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه های طبیعی؛
8. به کارگیری مهارت های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به عنوان زبان دین؛
9. به کارگیری مهارت های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی.

۵-۷- اخلاق:

1. رعایت تقوی الهی در تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی؛
2. متعهد به ارزشهای اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشن داری، قدرشناسی، رضا، عدالت، قناعت، نوع دوستی و تکریم والدین و معلم در شؤون و مناسبات فردی و اجتماعی؛
3. ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛
4. ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی و یادگیری مادام العمر؛
5. تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛
6. ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست؛
7. التزام به اصول و ارزش های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری های نوین.

۸- حوزه های تربیت و یادگیری

حوزه های تربیت و یادگیری، حدود محتوایی، روشها، فرآیندها، و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می سازند. این حوزه ها با یکدیگر ارتباط داشته لیکن عناوین موضوعات درسی در دور هها و پایه های تحصیلی لزوماً معادل عناوین حوزه ها نخواهد بود و مفاهیم حوزه های یادگیری به صورت تلفیقی ارائه خواهد شد. ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه های یادگیری، ارتباط آنها با هدف کلی برنامه درسی ملی، الگوی هدف گذاری؛ شایستگی های پایه؛ هم خوانی با اسناد فرادستی و هماهنگی با اصول حاکم بر برنامه است.

اهداف هر یک از حوزه های یادگیری از منابع زیر اخذ خواهند شد:

الف- اهداف دوره های تحصیلی (۱)؛

ب- شایستگی های پایه؛

ج- اهداف خاص حوزه یادگیری؛

د- اهداف مرتبط با سایر حوزه ها؛

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی مکلف است حداکثر ظرف مدت شش ماه، اهداف دوره های تحصیلی را به تفکیک دوره های آموزش عمومی و متوسطه دوم و ساحت های تعلیم و تربیت با استفاده از مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تهیه و همراه با نتایج اعتبار بخشی آن جهت بررسی و تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه کند.

۸-۱ عناوین حوزه های تربیت و یادگیری:

1. حکمت و معارف اسلامی؛
2. قرآن و عربی؛
3. زبان و ادبیات فارسی؛
4. فرهنگ و هنر؛
5. سلامت و تربیت بدنی؛
6. کار و فن آوری؛
7. علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛
8. ریاضیات؛
9. علوم تجربی؛
10. زبان های خارجی؛
11. آداب و مهارت های زندگی و بنیان خانواده.





حوزه تربیت و یادگیری
آداب و مهارت‌های زندگی و
بنیان خانواده

۱۱- حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده

برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به عنوان فرصتی برای به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه آماده کردن فرد برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. آداب و مهارت‌های زندگی مکمل یکدیگر و هر دو به دنبال آموزش سبک و آیین زندگی اند. بدین جهت نباید مرزی بین این دو ترسیم کرد.

ضرورت و کارکرد حوزه :

در جامعه امروز افراد برای حفظ و عمل به باورها و ارزشهای دینی اخلاقی، به الگوها، دانش و مهارتهایی نیاز دارند که به آنها در برقراری ارتباط سازنده در چهار عرصه (ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت) کمک کند. انسانها آن گونه زندگی می کنند که می اندیشند. باورها، گرایشها و افکار آدمیان در سبک و نحوه زندگی ایشان تأثیر دارد. آموزشهای این حوزه می تواند به یکپارچه شدن یادگیری و سامان دادن ارتباطهای انسانی و تعمیم آن به موقعیتهای جدید کمک کند.

قلمرو حوزه :

آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، شایستگی‌های لازم برای خودمدیریتی دانش‌آموزان در اداره امور روزمره زندگی شامل: آداب معاشرت، آداب معیشت، مدیریت زمان، کارکرد، وظایف و مهارت‌های خانوادگی، آمادگی برای تشکیل خانواده و ایفای نقش والدینی، مدیریت رفتارهای هیجانی و تربیت عاطفی، مدیریت اوقات فراغت، خودآگاهی، مهارت‌های تحصیلی و مطالعه، آداب زندگی در محیط مجازی، هویت‌یابی، ارتباط مؤثر، مراقبت از محیط زیست، مدیریت بحران و خطر، مهارت کار با دیگران و مهارت‌های پدافند غیرعامل و آمادگی دفاعی را فراهم می‌کند.

جهت گیریهای کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه :

انتخاب و سازماندهی فعالیت های یادگیری برای آموزش آداب و مهارت های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش آموزان است. از این رو، ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت های تربیتی که در آن دانش آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند جهت گیری اصلی در آموزش مهارت هاست. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه سازی موقعیت های مرجع، توجه به شیوه های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است. سازماندهی محتوای فعالیتهای یادگیری این حوزه به تناسب نیاز و شرایط دوره های تحصیلی و با توجه به زمینه های آموزش تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی در سایر دروس خواهد بود.

۹- اصول حاکم بر انتخاب راهبرد های یاددهی یادگیری

راهبرد های یاددهی یادگیری باید بتواند بستر لازم را برای تحقق اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم علاوه بر اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبرد های یاددهی - یادگیری به شرح زیر خواهد بود:

۹-۱- امکان درک و تفسیر پدیده ها، وقایع، و روابط را در موقعیت های واقعی زندگی تدارک ببیند، به گونه ای که شرایط را برای درک و تصمیم گیری در مورد مسایلی که دانش آموزان در موقعیت های مختلف با آن مواجه می شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.

۹-۲- انگیزه دانش آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش هایی درباره پدیده ها، وقایع و روابط آنها شکوفا و تقویت کند.

۹-۳- امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه های علت و معلولی یا وابستگی پدیده ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش آموزان فراهم کند.

۹-۴- فرصت هایی را تدارک ببیند که شایستگی های کسب شده در فواصل زمانی توسط دانش آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.

۹-۵- فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت های وجودی دانش آموزان و توسعه شایستگی ها فراهم کند.

۹-۶- با بهره مندی فزونتر از روش های فعال، خلاق و تعالی بخش (۱) و با سازمان دهی نو آورانه و خلاق فرآیند جمع آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.

۹-۷- صرفاً به انتقال دانش محدود نشده بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببیند.

۹-۸- زمینه تعامل مؤثر دانش آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط های یادگیری فراهم کند.

۹-۹- زمینه بهره گیری هوشمندانه از فناوری های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آن ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمند سازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری) دنبال کند.

۱۰- اصول حاکم بر ارزش یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی

برای نظام بخشی به تصمیمات در خصوص ارزش یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در کلیه دوره های تحصیلی اصول زیر باید مد نظر برنامه ریزان درسی و معلمان قرار گیرد:

۱-۱۰- با استفاده از انواع روشها و ابزارها، بتواند توانایی دانش آموزان، را در بهره گیری از شایستگی های پایه در موقعیت های مختلف، به صورت معنادار منعکس نماید.

۲-۱۰- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید.

۳-۱۰- به صورت منعطف و مستمر، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هر یک از دانش آموزان، فرآیند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید.

۴-۱۰- با تأکید بر خودآگاهی، خود ارزیابی و تصمیم گیری از سوی دانش آموزان، چگونگی جبران، رفع کاستی ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه های یادگیری را تدارک ببیند.

۵-۱۰- برای حفظ شأن و کرامت انسانی دانش آموزان و تقویت خود پنداره مثبت آنان از بکارگیری روش ها و ابزارهای ارزش یابی اضطراب آور و مأیوس کننده، پرهیز شود.

۶-۱۰- برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت های وجودی و وجوه توانایی های متفاوت هر یک از دانش آموزان، امکان مشارکت سایر دانش آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند.

۷-۱۰- در فرآیند ارزش یابی، نقش محوری و تصمیم سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.

۸-۱۰- طراحی و اجرای نظام ارزش یابی نتیجه محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره های تحصیلی، رویکرد ارزشیابی فرآیند محور در ارتقای پایه های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه های تحصیلی مبنا قرار گیرد.


۹-۱۰- با تأکید بر کار گروهی و فعالیت های جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت زایی یا رقابت جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش آموزان را فراهم کند.

۱۰-۱۰- ارزشیابی به عنوان بخش جدایی ناپذیری از فرایند یاددهی یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه ریزی رشد حرف های معلمان و بهبود برنامه درسی و نظام آموزشی استفاده شود.

۱۱-۱۰- با تأکید بر بهره گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش آموزان به شایستگی ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی(عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارائه شود.

۱۳-۱ - ساختار نظام آموزش و پرورش

1. ساختار نظام تحصیلی آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران براساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شامل ۶ سال دوره ابتدایی و ۶ سال دوره متوسطه (جمعاً دوازده سال) است. هر دوره تحصیلی نیز به دو دوره سه ساله تقسیم می شود (۱)؛
2. دوران تحصیل رسمی و عمومی، با توجه به ماهیت و ویژگی برنامه های درسی شامل دوره آموزش عمومی (مرکب از دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول) و نیمه تخصصی (دوره متوسطه دوم) خواهد بود و در پایان دوره متوسطه دوم به دانش آموزان مدرک دیپلم اعطا می شود؛
3. دوره پیش دبستان به دوره دو ساله رسمی و غیر اجباری اطلاق می شود که کودکان گروه سنی ۵ و ۶ سال را تحت پوشش برنامه های آموزشی و تربیتی قرار می دهد. برنامه های آموزشی و تربیتی این دوره و میزان حضور نوآموزان در مراکز پیش دبستانی با توجه به ویژگی های کودکان منعطف و سیال است.



۴. سن شروع دوره ابتدایی، ۶ سال تمام خواهد بود. برنامه های درسی سه سال اول دوره ابتدایی به صورت منعطف با عنایت به توانایی ها و تفاوت های دانش آموزان تدوین و در آن آموزشهای پیشنیاز و جبرانی ویژه کودکان مناطق محروم و دوزبانه پیش بینی می شود؛

۵. مشاوره و هدایت تحصیلی و تربیتی در همه دوره های تحصیلی الزامی است. انتخاب شاخه و رشته تحصیلی در پایان دوره آموزش عمومی و بر اساس نتایج عملکرد درسی و تربیتی در طول این دوره تحصیلی صورت می گیرد؛

۶. دوره متوسطه دوم دارای سه شاخه نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش است؛ هر یک از شاخه های این دوره دارای رشته هایی خواهد بود که تنوع آنها براساس نیاز جامعه، اقتضای زمان و امکان اجرای آن تعیین می شود.

1. سال تحصیلی از اول مهر ماه هر سال شروع و تا پایان شهریور ماه سال بعد ادامه خواهد داشت؛ زمان آموزش (۱) هر پایه تحصیلی در دوره ابتدایی ۹۲۵ ساعت، در دوره متوسطه اول ۱۱۱۰ ساعت و در دوره متوسطه دوم شاخه نظری ۱۲۹۵ ساعت و شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش ۱۴۸۰ ساعت خواهد بود. علاوه بر این، در تمامی پایه ها ۵۰ ساعت به فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه متناسب با اقتضات برنامه درسی هر حوزه یادگیری اختصاص می یابد و ۵۰ ساعت متناسب با شرایط و اقتضات محیطی در اختیار استان ها، مناطق و مدارس قرار می گیرد (۲) (جمعاً ۱۰۰ ساعت).

2. با عنایت به راهکار ۵۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۳) و بنا به ضرورت پاسخگویی به نیازها و اقتضات محلی و منطقه ای، برنامه ریزی و تأمین محتوای بخشی از زمان رسمی تعلیم و تربیت در اختیار استان، منطقه و مدرسه خواهد بود که در چارچوب آئین نامه های ابلاغی برنامه ریزی و اجرا می شود؛

1. منظور از زمان آموزش زمان اختصاص یافته به کلیه فعالیت های رسمی آموزشی و پرورشی درون و بیرون مدرسه است که در برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری برای آن ها تعیین تکلیف می شود.

2. از نمونه فعالیت های رسمی خارج از کلاس و مدرسه می توان: مشاهده طبیعت، انجام فعالیت میدانی و بازدید از موزه ها، نمایشگاه ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی (موزه ها، کانو نهای تربیتی محله و ...)، مذهبی (مساجد، زیارتگاه ها، دارالقرآنها و ...)، نهادها و مؤسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت های ورزشی، شرکت در فعالیت گروه ها و انجمن های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی و ... را نام برد.


3. اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه های آموزشی به معرفی حرفه ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی ایرانی دانش آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی.

3. ساعات کار هفتگی دوره ابتدایی 25 ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه در پایه های اول، دوم و سوم ۴۵ دقیقه و در پایه های چهارم، پنجم و ششم ۵۰ دقیقه می باشد. میانگین ساعات کار هفتگی دوره متوسطه اول ۳۰ ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه م یباشد، و ساعات کار هفتگی دوره متوسطه دوم نظری حداکثر 35 ساعت در کلیه پای هها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می باشد و ساعات کار هفتگی دوره متوسطه دوم فنی و حرفه ای و کاردانش متناسب با رشته های تحصیلی حداکثر ۴۰ ساعت در کلیه پایه ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می باشد(۱).

۴. جدول عناوین دروس و زمان اختصاص یافته به آنها از سوی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش خواهد رسید؛

۵. وزارت آموزش و پرورش مسئولیت زمینه سازی لازم برای هدایت و غنی سازی زمان غیررسمی تعلیم تربیت در خانه، مدرسه و خارج از مدرسه را بر عهده دارد.

۶. وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده ها، دستگا ههای فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و .. برای طراحی و اجرای برنامه ها و فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه، به خصوص بخشی از برنامه ها که در تابستان اجرا می شود استفاده نماید.



خدا قوت

شاد و سلامت باشد